

## زنان، افتاء و مرجعیت (کتاب)

نویسنده خلاصه: مهدی خسروی سرشکی  
نویسنده کتاب: مهدی سجادی امین

### چکیده

زنان، افتاء و مرجعیت، اثر مهدی سجادی امین از جمله آثار تخصصی در زمینه فقه زنان است. نویسنده در این اثر با رد ادله مخالفان (مانند آیات، روایات و اجماع) استدلال می‌کند که هیچ مانع شرعی برای حجیت فتوای یک زن مجتهد وجود ندارد. او با استناد به حضور زنان مُفتی در عصر معصومان و عدم منع ایشان از مراجعه به آنها، مرجعیت زنان را صحیح دانسته است. به گفته او، حتی اگر برخی دلایل مخالفان پذیرفته شود، تنها بر ممنوعیت مراجعه مردان به زنان فقیه دلالت دارد، نه بی‌اعتباری مطلق فتوای آنان.

با این حال، سجادی معتقد است تصدی برخی شئون مرجعیت که به اعمال ولایت نیاز دارند و نیز منصب‌های ولایی دیگر (مانند رهبری سیاسی و قضایی که مستلزم ولایت بر مردم است) به دلیل خاص نیاز دارد و دلیل قطعی برای اثبات آن برای زنان وجود ندارد.

### معرفی و ساختار کتاب

زنان، افتاء و مرجعیت، کتابی در حوزه فقه زنان است. نویسنده کتاب، مهدی سجادی امین، عضو هیأت علمی گروه فقه و حقوق مرکز تحقیقات زن و خانواده، است و کتاب اذن ولی در ازدواج باکره از دیگر آثار او در حوزه فقه معاصر به‌شمار می‌آید. کتاب زنان، افتاء و مرجعیت را دفتر مطالعات و تحقیقات زنان در سال ۱۳۹۸ ش در ۲۷۲ صفحه منتشر کرده است.

کتاب با فهرست مطالب و مقدمه نویسنده آغاز، و با نتیجه‌گیری و فهرست منابع پایان می‌یابد. مباحث اصلی کتاب در چهار فصل تنظیم شده است. فصل اول به کلیات اختصاص دارد و در آن واژگان کلیدی بحث مانند اجتهاد، افتاء، مرجعیت، قضا و ولایت بررسی شده (ص ۵-۲۵)، سپس آرای فقهای شیعه و سنی در مسئله حجیت فتوای زن ارائه شده است (ص ۲۶-۳۱). نویسنده در فصل دوم، به قاعده اولیه در دو موضوع تقلید از زن و منصب‌های ولایی او می‌پردازد. او در فصل سوم، ادله عدم حجیت فتوای زن و در فصل چهارم، ادله حجیت آن را بررسی کرده است.

### حجیت فتوای زنان و جایز نبودن تصدی منصب‌های ولایی

سجادی پیش از بیان ادله حجیت یا عدم حجیت فتوا زنان و ولایت آنها، به بررسی اصلی اولی در این حوزه پرداخته است. به نظر او، اصل اولی بر جایز نبودن تقلید از زنان فقیه استوار است، البته در فرض تعارض فتوای مرد غیراعلم با فتوای زن اعلم، مقتضای قاعده، لزوم احتیاط و مراعات فتوای زن اعلم است. همچنین از نظر او، اصل اولی این است که زن نسبت به دیگران منصب ولایی نداشته باشد (ص ۳۵-۳۸).

سجادی با بررسی استدلال‌های موافقان و مخالفان فتای زنان، نتیجه می‌گیرد که هیچ مانع شرعی یا عقلی برای اعتبار فتوای یک زن مجتهد وجود ندارد. او به وجود زنان مُفتی در زمان معصومان استناد می‌کند و اشاره می‌کند که معصومان مردم را از مراجعه به آنان منع نکرده‌اند. به عقیده او، حتی اگر دلایل طرفداران شرط ذکورت پذیرفته شود، این استدلال‌ها تنها بر ممنوعیت مراجعه مردان به زنان فقیه دلالت دارد، نه بی‌اعتباری فتوای آنان برای زنان دیگر (ص ۲۳۴).

وی همچنین با بررسی شرایط منصب‌های ولایی، درباره شئون مرجعیت تأکید می‌کند که این ولایت و شئون -به‌ویژه در عصر حاضر که شامل اداره امور، دخالت در مسائل کلان قضایی و سیاسی و حتی تشکیل حکومت است- به دلیل خاص و قطعی نیاز دارند. از نظر وی، دلیل کافی و محکمی برای اثبات ولایت و رهبری زنان وجود ندارد (ص ۲۳۴).

#### رویکرد فقیهان شیعه و اهل‌تسنن

نویسنده در فصل اول، نگاهی به پیشینه بحث از دیدگاه فقهای شیعه و سنی دارد. به گزارش او، فقیهان مسلمان در مواجهه با این مسئله چهار رویکرد داشته‌اند:

فقهای شیعه که به صفات مفتی و مجتهد نپرداخته‌اند، مانند شیخ طوسی و سرخسی؛ کسانی که با بیان شرایط افتا، شرط ذکورت را ذکر نکرده‌اند، مثل شیخ انصاری، سید حسین بروجردی و احمد بن حنبل؛

فقیهانی که مرد بودن را در حجیت فتوای فقیه و جواز تقلید شرط نمی‌دانند، مانند سید محسن حکیم، سید محمدحسین فضل‌الله و ماوردی؛

فقهای شیعه که به صورت صریح ذکورت را شرط افتا و حجیت فتاوا دانسته‌اند، فقیهانی مانند سید روح‌الله موسوی خمینی و سید عبدالاعلی سبزواری (ص ۲۷-۲۱).

ادله عدم حجیت فتوای زن فقیه  
سجادی در فصل سوم دلایلی را که می‌توان بر بی‌اعتباری فتوای زن مفتی اقامه کرد، بررسی کرده است. وی پس از بررسی این ادله، به همه آنها اشکال کرده است.

#### آیات قرآن

نویسنده چهار آیه‌ای را که در حجیت‌نداشتن فتوای زنان به آنها استناد شده بررسی کرده، استناد به آنها را ناتمام می‌داند.

آیه ۳۴ سوره نساء، «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ»؛ نویسنده از مباحث مربوط به این آیه چنین نتیجه گرفته است که رجوع مقلد به مفتی زن، از باب رجوع به متخصص است، نه از باب ولایت بر مقلدان؛ از این رو فتای زن با قوامیت مرد منافات ندارد (ص ۴۴-۵۳).

آیه ۲۲۸ سوره بقره، «وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ»؛ نویسنده با استناد به سیاق آیه بر این باور است که این آیه مربوط به روابط زناشویی است (مانند حق طلاق) و نه روابط اجتماعی، و این آیه با مناصب اجتماعی زنان منافاتی ندارد (ص ۵۳-۵۶).

آیه ۱۸ سوره زخرف، «وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ»؛ نویسنده معتقد است، این آیه ناظر به حجیت فتوای زن و نفی آن نیست، و تنها در صدد بیان این مطلب است که زنان در مناظره نمی‌توانند استدلال‌های خود را به خوبی بیان کنند (ص ۵۷-۶۱).

آیه ۲۸۲ سوره بقره، «اسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ؛» به نظر سجادی، اگرچه در شریعت برای شهادت زنان محدودیت‌هایی قرار داده شده، اما مراجعه به فتوای زنان فقیه از باب شهادت نیست تا حکم شهادت بر آنها جاری شود و در خبره شدن، تفاوتی میان مردان و زنان نیست (ص ۶۹).

روایات مؤلف روایاتی را که مخالفان حجیت فتوای زنان به آنها استناد کرده‌اند، در ده گروه نقد و بررسی کرده، استدلال به آنها را ناصحیح می‌شمارد.

نقصان عقل زنان؛ نویسنده پس از بررسی مفصل این روایات به این نتیجه رسیده است که نقصان عقل، به هر معنایی که باشد، با کوشش در تحصیل علم و به‌کارگیری علم تعدیل می‌شود و در فرض غلبه زنان بر نقصان عقل و دستیابی ایشان به اجتهاد، نمی‌توان حجیت فتوای آنان را ممنوع دانست (ص ۸۴-۸۵).

سفاهت زنان؛ به نظر سجادی، به‌طور کلی نمی‌توان سفاهت را به همه زنان نسبت داد و هیچ فقیهی به‌صورت کلی به عدم جواز تصرف زنان در اموال فتوا نداده است. به گفته او، روایات دال بر سفاهت مطلق زنان را می‌توان بر تقیه حمل کرد و این روایات مانع دستیابی زنان به اجتهاد و حجیت فتوای آنان نیست (ص ۸۷-۸۸).

سلب رأی و اندیشه از زنان؛ به باور مؤلف، این روایات از واقعیتی تکوینی حکایت دارد که در صورت مدیریت‌نشدن، ممکن است مشکلاتی را پدید آورد، اما با مدیریت صحیح و تحصیل قوه استنباط، مانعی برای حجیت آرای زنان، برای خودشان و دیگران، وجود ندارد (ص ۹۳-۹۴).

منع از ولایت زنان؛ به گفته سجادی، ملاک مرجعیت تقلید، ولایت نیست، بلکه ملاک آن خبرگی شخص مفتی است و تقلید از زنان بدون شرط ولایت، قابل فرض است (ص ۹۹).

منع از قضاوت زنان؛ نگارنده بین قضاوت و افتا ملازمه‌ای نمی‌بیند و شرایط و احکام هر یک را متفاوت می‌داند (ص ۱۰۵).

منع از تصمیم‌گیری برای دیگران؛ از نظر مؤلف، افزون بر اشکالات سندی، دلالت روایات نیز مخدوش است و مقام افتا و بیان احکام الهی به معنای دخالت در امور دیگران نیست (ص ۱۰۷).

منع از امامت جماعت؛ به گفته سجادی، بین منع زنان از امامت جماعت برای مردان و عدم حجیت فتوای ایشان ملازمه‌ای وجود ندارد (ص ۱۰۹).

پرهیز از اطاعت زنان؛ نویسنده محتوای این روایات را یکسان نمی‌داند و بیشتر آن را مربوط به مسائل خانوادگی و زندگی زناشویی می‌داند. به گفته او، باید این روایات را با احادیثی مقایسه کرد که به اطاعت از انسان‌های عاقل و خیرخواه (بدون تفاوت میان زنان و مردان) سفارش می‌کنند (ص ۱۱۱-۱۱۲).

پرهیز از مشورت با زنان؛ سجادی پس از تقسیم‌بندی این روایات و توضیح هر یک، در دلالت آنها بر انحصار جواز مشورت با مردان مناقشه می‌کند. وی در فرض پذیرش این روایات، آنها را ناظر به اکثریت زنان در عصر صدور روایات می‌داند، که از مراکز علم و دانش دور بودند (ص ۱۲۵-۱۲۶).

تقدم مردان و عقب نگه‌داشتن زنان؛ به گفته نویسنده، با وجود احتمال‌های مختلف در این روایات، تقلید مردان از زنان را نمی‌توان مصداق تقدیم زنان بر مردان دانست (ص ۱۳۰).

اجماع، سیره متشرعه و مذاق شارع

نویسنده استدلال به اجماع را نمی‌پذیرد و قراین اثبات آن را رد می‌کند. به گفته او، تبعیدی بودن این اجماع معلوم نیست و این احتمال وجود دارد که این اجماع با استناد به ادله ادعا شده باشد (ص ۷۰-۷۳). وی همچنین تمسک به سیره متشرعه مبنی بر رجوع نکردن به فتاوی زنان را نیز رد کرده و معتقد است، در زمان معصومان برخی زنان صاحب فتوا وجود داشته‌اند (ص ۱۳۰-۱۳۱). او در پاسخ به این استدلال که مرجعیت، متضمن ولایت و تصرف در امور دیگران است و این موضوع برای زنان منتفی است، معتقد است که جایگاه فتوا و بیان احکام نیازمند سلطه و ولایت بر دیگران نمی‌باشد (ص ۱۳۲-۱۳۳).

نویسنده یکی از دلایل عدم حجیت فتوای زن را مذاق شارع برشمرده، آن را شرح می‌دهد. نویسنده کاربرد استدلال به مذاق شریعت را محدود به مواردی می‌داند که دلیل صریحی بر حکم شرعی وجود نداشته باشد (ص ۱۳۷). وی همچنین، مذاق شریعت را منبع مستقلی در کنار منابع اربعه نمی‌داند (ص ۱۳۹). او در ادامه، راه‌های کشف مذاق شارع بر عدم جواز افتا و مرجعیت زنان (ص ۱۳۹-۱۵۰) و سپس مذاق شارع درباره وظایف زنان را به صورت مفصل تحلیل کرده است (ص ۱۵۰-۱۷۸) سجادی در نهایت نتیجه می‌گیرد که با توجه به نقش‌آفرینی سیاسی و اجتماعی زنان در عصر معصومان(ع) و عدم منع ایشان از این فعالیت‌ها، و همچنین با در نظر گرفتن امکان کسب علم و دانش و تأثیرگذاری بدون نیاز به حضور فیزیکی در عصر حاضر، نمی‌توان از مذاق شارع، عدم حجیت فتوای زنان و عدم مرجعیت آنان را نتیجه گرفت (ص ۱۷۹).

ادله حجیت فتوای زن فقیه

سجادی در فصل چهارم، ادله‌ای را در جهت حجیت فتوای زنان قرار می‌گیرد بررسی کرده، از میان آنها تنها استدلال به سیره را می‌پذیرد.

آیات قرآن

نویسنده آیاتی را که در حجیت فتوای زنان به آنها استناد شده بررسی کرده، استناد به آنها را ناتمام می‌داند.

آیه ۴۳ سوره نحل و آیه ۷ سوره انبیاء، «فَسْئَلُوا أَهْلَ الدِّكْرِ»؛ به نظر نویسنده، این آیه برای دستیابی به علوم وجدانی کاربرد دارد، نه پذیرش تبعیدی که ماهیت تقلید را شکل می‌دهد. همچنین به گفته او، شأن نزول آیه مربوط به امور اعتقادی و مسئله نبوت است، که تقلید و تبعید در آن جایز نیست (ص ۱۸۲).

آیه نَفَر؛ به گفته نویسنده، آیه نَفَر بر اصل جواز تقلید از فقیه دلالت دارد، اما در مقام بیان شرایط فقیه نیست تا اطلاق داشته باشد و بر جواز تقلید از زنان دلالت کند (ص ۱۸۳).

روایات

نویسنده روایاتی را که برای حجیت فتوای زن به آنها استناد شده، به دو گروه تقسیم کرده است. او پس از بررسی آنها، استناد به آنها را با اشکال مواجه می‌داند.

روایات اذن در افتا به طور مطلق؛ نویسنده چهار روایت را نقل می‌کند که در آنها جواز افتا مطرح شده و مردم برای یادگیری امور دینی به مطلق فقیه (بدون مطرح شدن جنسیت فقیه) ارجاع داده شده‌اند (ص ۱۸۴). به نظر سجادی، این روایات اطلاق ندارند و تنها بر جواز تقلید از موارد خاصی دلالت دارد (ص ۱۸۷-۱۸۸).

روایات ارجاع به برخی از زنان؛ سجادی دو روایت را نقل کرده که مطابق آنها امام(ع) در مسائل دینی دیگران را به برخی زنان ارجاع داده‌اند (ص ۱۸۸). با این حال او معتقد است، روایت نخست تنها بر جواز رجوع زنان به زنان در یادگیری مسائل فقهی (و نه تقلید) دلالت می‌کند (ص ۱۸۹-۱۹۰) و روایت دوم نیز مربوط به موارد اضطراری است (ص ۱۹۲).  
سیره عقلا

نویسنده استناد به سیره عقلا را در پنج نکته بررسی کرده است.

منشأ تحقق سیره؛ در این کتاب منشأ تحقق سیره از چهار جهت بررسی شده است: حکم عقل، فطرت بشری، مصالح عمومی، و عادات و رسوم (ص ۱۹۳-۱۹۶). به گفته سجادی، اگر منشأ سیره حکم عقل یا فطرت باشد، حجت است و به کشف رضایت شارع نیاز ندارد، اما در صورتی که منشأ آن موارد دیگر باشد، حجت سیره به احراز رضایت شارع وابسته است (ص ۱۹۶).

مبنای حجت سیره؛ سجادی چهار مبنای حجت سیره عقلا را تحلیل می‌کند: امضای شارع، عدم ردع شارع، مغایرت‌نداشتن با اصول کلی شریعت، و عدم منع شارع از ارتکازات عقلایی (ص ۱۹۶-۲۰۲).

تطبیق مبنای حجت سیره بر مراجعه به زن مفتی؛ نگارنده در ادامه چهار مبنای ذکر شده برای سیره عقلا را بر رجوع به مفتی زن تطبیق می‌دهد و بر این اساس حجت فتوای زنان را قابل قبول می‌داند (ص ۲۰۳-۲۰۴).

افتای زنان در زمان معصوم؛ سجادی تحقق خارجی افتای زنان را در عصر معصومان شرح می‌دهد (ص ۲۰۴). او برای این منظور، ویژگی‌های دوازده بانوی مفتی را ذکر می‌کند: حضرت فاطمه(س)، حضرت زینب(س)، حضرت معصومه(س)، حکیمه دختر امام جواد(ع)، همسران پیامبر (أمّ حَبیبه، عایشه و أمّ سلمه)، اسماء بنت ابی‌بکر، زینب بنت ابی‌سلمه، أمّ‌درداء، صفیه بنت شیبه، و حفصه بنت سیرین (ص ۲۰۹-۲۲۰).

عدم ردع معصومان از رجوع به زن مفتی؛ مؤلف در نکته پایانی، در صدد اثبات این امر بر آمده که معصومان(ع) مردم را از مراجعه به زنان مفتی منع نکرده‌اند و برای این منظور به جمع‌بندی مباحث گذشته و بررسی اشکالات این سیره پرداخته، دیدگاه نهایی خود را توضیح می‌دهد (ص ۲۲۱-۲۲۳).